

نشست نود و دوم - جمع‌بندی سوره مبارکه یس با محوریت ذکر

بسم الله الرحمن الرحيم

می‌خواهیم از فضای سوره مبارکه یس به سوره مبارکه ص برویم و موضوعاتی که در سوره مبارکه یس کمتر از آنها صحبت کردیم را در سوره مبارکه یس صحبت می‌کنیم.

در سوره مبارکه یس در مورد آیه، حیات، انداز و... صحبت کردیم. یک مؤلفه در همه این‌ها نقش داشت. به این موضوع اشاره کردیم اما شاید زیاد به آن نپرداختیم. آیه ۱۱ سوره مبارکه یس: «إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبِ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ» انداز همان هوشیار سازی است. حقایقی در عالم در جریان است که هرچه قدر انسان از آن حقایق فاصله بگیرد، حیات و نشاط از زندگی‌اش می‌رود. انبیا الهی می‌آیند تا این حیات و روح را دوباره به زندگی انسان‌ها بازگردانند.

حال زندگی انسان در دست خودش است

انسان‌ها در یک مردگی و ظلمت و تاریکی زندگی می‌کنند که خیلی بدون طراوت و تکراری است و خیلی هم از این وضعیت شاکی هستند. فارغ از اینکه محیط و پیرامون چقدر در این زندگی تأثیر می‌گذارد، قطعاً این زندگی بر عهده خود آدم‌ها است. قبلاً هم گفتیم که اگر کسی حال زندگی‌اش خوب نیست، قطعاً خودش نقش داشته؛ نه اینکه عوامل بیرونی تأثیر ندارند اما عوامل بیرونی در طول تاریخ و برای انسان‌های مختلف همین‌گونه و بسا سخت‌تر بوده و شرایط و دوران‌های بسیار دهشتناکی بوده و در همان موقعیت‌ها هم انسان‌هایی بوده‌اند که حال قلب‌شان خوب بوده و خوب زندگی کرده‌اند. پس اگر کسی حال زندگی‌اش بد است، آن را به گردن مشکلات و عوامل بیرونی نیندازد. روز قیامت این را به انسان نشان می‌دهند که این مشکلات را خیلی‌ها داشتند اما حالشان بد نبوده و این حال بد به علت حیاتی است که در انسان نیست. همانطور که تجربه داشته‌اید در روزهایی که حالتان خوب است، اتفاقات بد حالتان را بد نمی‌کنند؛ اما اگر در روزی حالتان بد است، با هر اتفاق کوچکی برآشفته می‌شوید. اگر حیات و زندگی در آدم باشد، سخت‌ترین اتفاقات را به زیبایی رد می‌کند؛ اما اگر حیات نداشته باشد، مثل یک چوب خشک ترد است، کوچک‌ترین ضربه‌ای برای شکسته شدنش کافی است. اما چوب درختان تازه را هرچه سعی کنید نمی‌توانید بشکنید و درخت تا آخرین توان برای شکسته نشدن مقاومت می‌کند. آخرش هم که با همه توان آن را بشکنید، به شما می‌خندد و می‌گوید یک شاخه دیگر هم دارم و باز هم می‌توانم سبز شوم. علت این اتفاق جریان داشتن حیات در آن درخت است و با وقتی که حیات ندارد

خیلی متفاوت است؛ انسان هم همین‌طور است. مواجهه انسان زنده با مسائل بسیار متفاوت است با انسان مرده. انبیا آمده‌اند که این حیات را به انسان بدهند.

ذکر مهم ترین عامل حیات

خداوند در سوره یس می‌فرماید «إِنَّمَا تُنذِرُ» تو کسی را می‌توانی بیدار و هوشیار کنی و حیات بدهی که «مَنْ اتَّبَعَ الذِّكْرَ» از ذکر تبعیت کند. از اینجا مشخص می‌شود که مهم‌ترین عامل حیات، ذکر است که انسان از آن تبعیت کند. ذکر چیست؟ در سوره مبارکه یس آیه ۱۹ انبیا می‌فرمایند: «قَالُوا طَائِرُكُمْ مَعَكُمْ أَئِنْ ذُكِّرْتُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ». اگر اهل ذکر بودید می‌فهمیدید که حال بد شما به‌خاطر خودتان است، ربطی به بیرون ندارد. خودت آن ذکر را نداری که این حالت در تو به وجود آمده.

در آیه ۶۹ سوره مبارکه یس به ماجرای دعوت پیامبر اسلام (ص) می‌رسد و می‌فرماید که دعوت پیامبر (ص) شعر نبود، من نیامدم چند جمله بگویم که شما ورد زبانتان شود. شعر چون وزن و آهنگ دارد به‌سرعت ورد زبان می‌شود. من قرآن را نازل نکردم که ورد زبانت شود. پس برای چه نازل کردی؟ «إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ». این فقط ذکر است. نشان می‌دهد که ذکر، شعر و ورد زبان نیست. اینکه ما فکر می‌کنیم اگر تندتند بگوییم سبحان‌الله، ذکر گفته‌ایم، اشتباه است. ذکر ورد زبان نیست. ممکن است بگوییم اگر چیزی را به زبان تکرار کنیم مفید است و باعث می‌شود قلب انسان هم ذکر کند؛ این موضوع درست است. اما ذکر چیزی است که قلب انسان را تکان می‌دهد. ذکر یک توجه است، نه صرفاً تکرار روی زبان. ذکر شعر نیست که فقط روی زبان تکرار شود، بدون اینکه قلب متوجه شود. اساساً اگر خواستید ذکر را به فارسی ترجمه کنید، بهتر است به آن «توجه» بگوییم. البته «توجه» هم معنی دقیق و صحیحی نیست. ذکر معنای بلندتری دارد. متأسفانه با این ترجمه سطح کلمه ذکر در فارسی پایین آمده. این که عبارتی را سریع بگوییم و تکرار کنیم بد نیست؛ اما این که فکر کنیم ذکر گفته‌ایم بد است؛ این کار فقط مقدمه یک ذکر حقیقی است. با این کار جزء ذاکرین محسوب نمی‌شویم.

کسی که با زبان چیزی را تکرار کند، درحالی‌که متوجه نیست، متذکر محسوب نمی‌شود. ذکر، تفکر و توجه می‌خواهد؛ اما تکرار در توجه خیلی اثر دارد. مثل وقتی درس را تکرار می‌کنیم تا به قلبمان برود و بعد عمیق شود. تکرار برای ذکر مناسب است، اما خود حجاب ذکر هم است. در عالم همه چیز همین‌گونه است. هرچه مقدمه چیزی باشد، حجاب آن هم محسوب می‌شود. چون آدم‌ها بعد از مدتی فکر می‌کنند آن کار همان تکرار است. تکرار خیلی خوب است، اما ذکر همان تکرار نیست. ذکر توجه قلبی است و توجه عامل اصلی حیات و زندگی است.